

# دکتر مصدق در پیشگاه تاریخ

دکتر مرتضی مشیر

نماینده سابق مجلس شورای ملی از فسا

□ از چندی قبل، گروهی که در جامعه‌ی ایرانی صاحب شخصیت و مقام اجتماعی هم نبوده‌اند با پشت پا زدن به اصل احترام به خدمتگزاران ایران، در برخی از رسانه‌های گروهی لندن آنجلس به زنده‌یاد دکتر مصدق، بزرگ‌ترین قهرمان ملی وطن ما به اهانت پرداخته و اخیراً نویسنده‌ی در کیهان لندن زیر عنوان «کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، به قلم‌فرسایی پرداخته است. یقین دارم هر ایرانی که منصفانه آن نوشته را بخواند، قبول خواهد کرد که سرانجام دشمنی با دکتر مصدق به نفع اجانب است.

دوست محترم آقای دکتر مصطفی الموتی در جلد ششم ایران در عصر پهلوی پس از چند صفحه مطلب در تعریف و تجلیل از دکتر مصدق، ایراداتی هم از قول مخالفین عنوان ساخته، در این جا برای روشن شدن چهره‌ی تابناک و درخشان این قهرمان ملی پاسخ گفته می‌شود. دکتر الموتی نوشته است: «مخالفین دکتر مصدق او را به منفی‌بافی و عوام‌فریبی متهم می‌کنند و می‌گویند همین روش او موجب شد که نتوانست از قانون ملی شدن صنعت نفت آن طوری که لازم است نتیجه بگیرد و در نتیجه کشور را به ورشکستگی کشاند و به‌ناچار قرارداد نفتی کنسرسیوم هنگامی که مصدق در زندان بود، به‌تصویب پارلمان ایران رسید».

در این باره باید گفته کلام آدم بانصافی سراغ دارید که با دکتر مصدق مخالف باشد و جامعه او را به‌عنوان فردی خوش‌نام بشناسد؟ افرادی که با دکتر مصدق سر ستیزه داشته‌اند من در بررسی اجمالی نمایندگان مجلس اشاره‌ی به سوابق این وکلای بی‌موکل که با طرفداری سفارت فخریه سالیان دراز پارلمان ایران را اشغال کرده بودند، نموده‌ام و لازم نمی‌دانم که مجدداً قلم را به‌نام آنان آلوده سازم، مگر آن‌که ضرورتی پیش آید و ناچار از معرفی افراد ستون پنجم بیگانه بشوم. تاثیر من از تنی چند است که با ماسک ریا در زیر سایه‌ی دکتر مصدق به وجاهت ملی رسیدند و با آراء مردم به مجلس رفتند، اما به‌جای خدمت به مملکت در نیمه‌ی راه و چند قدمی موفقیت به آرمان مردم، با شاه و عاملین رسوای کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ برای تامین

منابع انگلیس و امریکا سازش کردند. خوشبختانه این افراد مخالف که همه در گذشته‌اند آن چنان منفور خاص و عام‌اند که تا ابد مورد لعن و نفرین آیندگان خواهند بود. در قاموس سایر وطن‌فروشان مخالف اگر دکتر مصدق به منافع ملت ایران پشت پا می‌زد و با انعقاد قراردادی «صاحب» پسندانه تسلیم انگلیس و امریکا می‌شد، نه تنها جمال امامی و هم‌دستان او از او تجلیل به عمل می‌آوردند؛ بلکه همان‌طور که به رضاشاه به‌خاطر امضای قرارداد ۱۹۳۳ نفت اسارت بار در مجلس دست‌نشانده‌ی دوره‌ی ۱۵ لقب «کبیر» دادند برای دکتر مصدق هم مدح و ثنا می‌گفتند؛ لیکن، در این صورت او دیگر قهرمان ملی تاریخ ایران نبود. به‌همین جهت نوکران سفارت هر قدر بخواهند می‌توانند از سوز دل، دکتر مصدق را منفی‌باف و عوام‌فریب بخوانند. آیا مبارزه برای ملی کردن نفت و موفقیت در این امر حیاتی «منفی‌بافی» است؟

تاریخ قضاوت کرده و می‌نماید که دکتر مصدق در سراسر زندگی سیاسی‌اش، همیشه مظهر شرافت، فضیلت، شجاعت، تقوی، پاک‌ی و حقیقت‌جویی و سازندگی بوده و بدون تردید هیچ یک از رجال خوش‌نام تاریخ ایران هم تا به این درجه دارای چنین صفات و خصایل انسانی نبوده‌اند.

به گفته‌ی دکتر مصدق چون دست شاه و ملکه‌ی مادر و اشرف و برادران و هم‌دستان آنان از سوءاستفاده‌ها قطع شده بود، این همه های و هوی برای جلوگیری از قطع ایادی انگلستان صورت می‌گرفت تا وضع سابق برای غارت ثروت ملی ما تحت رژیم دست‌نشانده کماکان ادامه یابد. به‌هنگام تحریم اقتصادی کشورمان، همه‌ی دولت‌های استعمارگر بویژه امریکا و فرانسه با نفت‌خواران انگلیسی هم‌صدایی نمودند و عجیب‌تر آن‌که کشور سوسیالیستی شوروی به‌نوبه‌ی خود حاضر نگردید، یازده تن طلای سپرده ایران را پس بدهد تا از مشکلات اقتصادی ما کاسته شود و سرانجام بعد از کودتا این سپرده را به عاملین دست‌نشانده‌ی انگلیس و امریکا پس دادند. شادروان سرهنگ غلام‌رضا نجاتی، (افسر فقید نیروی هوایی ایران)



#### دکتر محمد مصدق در حال بوسیدن دست ملکه ی ثریا

۵- «من در واقع عاشق دکتر مصدق هستم و در تمام عمر خود در عالم سیاست شخصی را به شایستگی او ندیده‌ام. دکتر مصدق یک زمامدار ایده‌آل است که برای ملت خود فداکاری می‌کند. نخست‌وزیر ایران یکی از سیاستمداران بزرگ قرن بیستم است». (غضنفر علی‌خان سفیر کبیر پاکستان در ترکیه و در ایران)

۶- «با کمال صراحت می‌گویم که افزایش عایدات نفت عراق و دیگر کشورهای خاورمیانه مرهون تلاش و محبت دکتر مصدق است. ما عراقی‌ها برای نهضت ملی ایران ارزش بسیار قائلیم. بنون شک این نهضت در بیداری ملل شرق موثر واقع شده است». (صالح جبر لیدر حزب ملی عراق، ۱۶ ماه می ۱۹۵۳)

۷- «در کشوری که تهمت‌های سیاسی رواج کامل دارد، این مرد شرافت و عزت نفس خود را به نیکوترین شیوه حفظ کرده است. آقای دکتر مصدق مخالف هرگونه نفوذ بیگانه است». (مجله‌ی تایم، ۱۳۳۰/۲/۱۸)

۸- «وجود نجیف و ناتوان دکتر مصدق از کوه البرز محکم‌تر و از نفت آبادان آتشین‌تر و سوزان‌تر است». (مجله‌ی تایم، ۱۹۵۱)

۹- «دکتر مصدق را پدر ملت ایران می‌نامند. او یکی از کسانی است که وطن‌پرستی را به معنای واقعی تجسم بخشید و منافع ملت خود را بر همه چیز ترجیح داد». (روزنامه‌ی ابزور، چاپ لندن، ۱۳۳۰/۲/۲۲)

۱۰- «مردم اسکاتلند همه از کلیه‌ی اقدامات وطن‌پرستانه‌ی دکتر مصدق تعریف و تمجید می‌کنند». (روزنامه‌ی گلاسگو هرالد، چاپ اسکاتلند، ۱۳۳۰/۲/۱۸)

در کتاب تاریخی خود درباره‌ی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ چه با معنا و ظریف اشاره کرده است: «تنگ برای خائینی که با هویت ایرانی، جاسوسی و مزدوری بیگانه را به عهدہ گرفتند و در گرماگرم نبرد، دروازه را به روی دشمن گشودند و تنگ برای امپریالیست‌های انگلیسی و امریکایی که در برابر یکی از اصیل‌ترین نهضت‌های ضد استعماری قرار گرفتند و برای ملت‌های خود یک رسوایی تاریخی فراهم ساختند. به نظر این‌جانب اگر ایرادی به زنده‌یاد دکتر مصدق بشود وارد نمود، این است که او در آزادی‌خواهی افراط نموده است. زیرا باید با اختیار قانونی که داشت متهمین حوادث کودتای ۹ اسفند ۱۳۳۱ را به دادگاهی انقلابی تسلیم می‌کرد تا بعداً انگلیس‌ها موفق نمی‌شدند، نقشه‌ی قتل سرلشکر افشار طوس، رئیس شهربانی کل کشور را به کمک سرلشکر زاهدی، دکتر بقائی و تایید شاه به وسیله‌ی عده‌ی از ژنرال‌های وطن‌فروش طرح کنند و به اجرا درآورند و متعاقباً با پول «سیا» علیه ملت ایران کودتا برپا سازند و استقلال و شرف ملت ایران را به بیگانگان بفروشند».

ای کاش دکتر مصدق از کشته شدن عده‌ی افسر وطن‌فروش و جمعی ارنال و چاقوکش اجبر شده و روحانی نمایان خودفروخته به «سیا» تردیدی به دل راه نمی‌داد و با فرستادن پیامی شجاعانه حقایق را برای ملت ایران فاش می‌ساخت تا آنان نظیر وقایع سی تیر سزای خائنین را کف دستشان می‌گذاشتند و مانع روی کار آمدن نوکری سرسپرده می‌شدند که سفارت امریکا را پناهگاه جاسوسی و خیانت به کشور خود قرار داده بود.

اینک قضاوت تاریخ را درباره‌ی دکتر مصدق برای تحقیقاتی که در کتاب **دکتر مصدق در دوره‌ی قاجار و پهلوی** انجام داده‌ام، به شرح آتی نقل می‌نمایم تا سیه‌رویی بیش‌تر نصیب کسانی گردد که با بی‌انصافی به بزرگ‌مرد بی‌نظیر ایران توهین می‌کنند و خدمات و جانفشانی‌های او را نادیده می‌گیرند.

۱- «هنگامی که مصدق در ایران به اصلاحات اساسی دست زد ما به وحشت افتادیم. این مرد که من بر خود می‌بالم که او را دوست خود بدانم، مردی دموکرات بود. ما با انگلیس‌ها هم‌دست شدیم تا او را از میان برداریم. در این راه توفیق یافتیم، ولی از آن روز دیگر در خاورمیانه از ما به نیکی یاد نشد». (ویلیام دوگلاس قاضی دیوان عالی کشور امریکا)

۲- «باید به ملت ایران تبریک بگویم که بعد از مدت‌ها یک شخص مخلص و باتدبیر زمام امور دولت را در دست گرفته و موجبات ترقی ایران را فراهم کرده است». (مولانا ابوالکلام آزاد، ۱۳۳۰/۴/۱۶)

۳- «دکتر مصدق مردی است که در امور سیاسی استعداد خارق‌العاده‌ی دارد». (دکتر هنری گریزی سفیر و رئیس انجمن فرهنگی ایران و امریکا، آبان ۱۳۳۰)

۴- «ما جرات و شهامت بی‌پیرایه و مقرون به بدبختی مردی شریف هم‌چون دکتر مصدق را که قربانی نفتی‌های بین‌الملل شد می‌ستاییم و به تقدیم احترامات خودمان اکتفا می‌کنیم». (پی‌یر فونتن، نویسنده‌ی کتاب جنگ سرد نفت)

۱۱- «تاریخ جهان نشان خواهد داد که دکتر مصدق بزرگ‌ترین خدمتگزار ایران بوده است». (روزنامه‌ی بوتنوس ایروس، هرالد چاپ ارزنتین)

۱۲- «صریحاً می‌گویم که ایران در سده‌های کنونی تاریخ استقلال خود چنین نخست‌وزیر باشهامتی نظیر مصدق را به خود ندیده است». (روزنامه‌ی ثروت، چاپ لندن)

۱۳- «دکتر مصدق استاد فن ملی شدن در شوق است. تمام رهبران نهضت ملی‌گرایی خاورمیانه در مکتب مصدق درس خوانده‌اند. دکتر مصدق مردی سال‌خورده و پیر است که فعالیت و نشاط او، نیروبخش جوانان کشورش شده است و آنان را تحت‌تأثیر خود قرار داده است. دکتر مصدق قدرت و توان شگفتی‌آور و سرسختی بی‌نظیر خود را به انگلیسی‌ها نشان داد و آنان را مجبور ساخت در برابر قدرت نیروی معنوی او زانو بر زمین بزنند». (موسسه‌ی مطبوعاتی دارالالهال مصر، ۱۳۳۰/۷/۷)

۱۴- «دکتر مصدق با اشک‌های تیزابی خود پایه‌های عظمت امپراتوری انگلستان را پوسانید و با دست‌های لرزان خود چرخ‌های بیماری مردم را در خاورمیانه علیه امپریالیسم روغن‌کاری کرد. سر موفقیت دکتر مصدق مهارت او در تهییج افکار عمومی است». (مجله‌ی تایم)

۱۵- «مصدق، مردی بود که در تاریخ معاصر ایران فروزان‌ترین ستاره بود و گمان نمی‌رود امروز پس از مرگش اندکی از فروغ او و صحت افکار و روش و آرمانش کاسته شده باشد. این بزرگ‌مرد نخستین مقام فکری همه‌ی انقلابیون آسیا و آفریقا از جمله رهبر بزرگ و فقید مصر جمال عبدالناصر و مردانی چون قوام نکرومه سوکارنو، لومومبا، بن‌بلا و حتا کاسترو بود. گذشت زمان افکار و اندیشه‌های او را تغییر نداد و کهولت و بیماری را به بستر محافظه‌کاریش نینداخت». (حسنین هیکل، سردبیر نشریه‌ی الاهرام مصر)

۱۶- «او باید صریحاً گفت که دکتر مصدق بهترین و با تجربه‌ترین سیاستمدار خاورمیانه به‌شمار می‌رود و پشتیبانی ملت ایران از دولت وی در تاریخ خاورمیانه و شاید جهان سابقه نداشته است». (فوتنگیس گازت، چاپ اسپانیا، ۱۳۳۰/۸/۹)

۱۷- مصطفی فهمی وکیل دادگستری مقیم قاهره و استاد دانشکده‌ی حقوق طی نامه‌یی به زبان فرانسه به دکتر مصدق نوشته است که ترجمه‌ی آن به فارسی به شرح زیر می‌باشد:

«دکتر مصدق! آزادمردان تمام کشور به فداکاری شما نسبت به هم‌میهنان عقیده دارند و به شما به‌عنوان بزرگ‌ترین نمونه‌ی میهن‌پرستی ارج می‌نهند. ما از خداوند خواهانیم که به شما پیروزی دهد. ما حاضریم که افتخار دفاع شما را داشته باشیم. امضا».

۱۸- هنگامی که حکومت مولود سیا بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد دکتر مصدق را به محاکمه جلب می‌نماید، یک نفر ایتالیایی به‌نام Docteur Ander Filschi به‌زبان فرانسه نامه‌یی به دکتر مصدق می‌نویسد که ترجمه‌ی آن در صفحه‌ی ۲۹ کتاب «دکتر مصدق در دادگاه تجدید نظر به‌شرح زیر به‌چاپ شده است:

«آقای مصدق! عالی‌جناب! از جناب عالی تقاضا دارد لطف فرموده مراتب تقدیس این جانب را نسبت به شخص شما و نسبت به اقدامات حکومت خود بپذیرید. در این زمان سخت که نه تنها هدف شما، بلکه شخص خود شما در خطر نابودی قرار دارید، من احساس می‌کنم که یک ضرورت انسانی قلب مرا، زبان مرا و قلم مرا وادار می‌سازد که علاقه‌ی مخصوص خود و میلیون‌ها ایتالیایی را نسبت به عظمت سیاست و جسارت رفتار شما در برابر دادگاهی که می‌خواهد شما را محکوم نماید، ابراز دارم. من گفته‌ام میلیون‌ها ایتالیایی وجود دارند که از نام شما تجلیل می‌کنند، عالی‌جناب، من هم به همین نحو، زیرا در این روزها در روزنامه‌های آزادی‌خواه کشور من، عکس شما به‌طور روشن وجود دارد و به همه‌ی مردم نجابت قابل احترام سیمای شما را نشان می‌دهد و میلیون‌ها خواننده با اضطراب در ستون‌های این روزنامه‌ها مراحل محاکمه‌ی شما را تعقیب می‌کنند. جریان محاکمه‌ی شما به کجا خواهد انجامید [به‌هر کجا بینجامد]، من به شما می‌گویم که شما پیروز شده‌اید، آقای دکتر شما پیروز شده‌اید، در روح ایرانیان واقعی، درست به‌همان نحو که در روحی ایتالیایی‌های واقعی و آزادی‌خواهان در سراسر جهان. من به شما اطمینان می‌دهم که شما را هرگز فراموش نخواهم کرد و اگر روزی بتوانم صدای خود را به اطراف بفرستم شما را - آقای مصدق - به‌صورت یک قهرمان و پیشوای ترقی و آزادی و اتحاد ملی ایران نشان خواهم داد».

۱۹- مرحوم ناصر قشقائی که از دوستان نگارنده بود در صفحات ۴۰۷ و ۴۰۸ کتاب خاطراتش تحت عنوان اما چه‌گونه کودتا شد؟ چنین توضیح داده است:

«گودوین یک نفر امریکایی با محمدحسین خان و خسروخان ملاقات نمود و اظهار داشت دولت امریکا تصمیم گرفته که مصدق‌السلطنه را از کار برکنار کند. خسروخان جواب داد: ملت پشتیبان اوست. گودوین جواب داد: قول شرف می‌دهم تا دو ماه طول نکشد. حال شما بیابید نقلاً پنج میلیون دلار بگیرید و سرلشکر زاهدی را بردارید ببرید داخل ایل قشقایی، در آن‌جا فرمان نخست‌وزیری که شاه به زاهدی داده، اعلام کنید و از آن‌جا زاهدی را بردارید بیابید به طرف تهران. آن وقت ما همه نوع تضمین می‌کنیم، دو نفر از خودتان وزیر بشوید، یک نفر هم سفیر کبیر، در هر‌جا مایلید. کلیه‌ی اختیارات فارس و جنوب هم برای شما و بعد از آن هم ماهی پنج میلیون دلار می‌دهیم، مرتب از آن هم سهم بگیرید. آقایان جواب داده بودند که ما با مصدق همکاری کرده‌ایم و حالا نمی‌توانیم خیانت کنیم؛ ولو این‌که شما پانصد میلیون دلار بدهید. غیر ممکن است که ما مرتکب چنین کاری شده و فاضیل خودمان را ننگین و لکه‌دار کنیم».

فرداهای آن روز کودتا شروع شد، معروف است که چند صاحب منصب امریکایی داخل تانک بوده و بر اهالی تهران با مسلسل و تانک تیراندازی می‌کرده‌اند. حقیقتاً تف به این وضع زندگی.

۲- صدراالاشرف نخست‌وزیر، وزیر، استاندار، سناتور و رییس مجلس پیشین سنا و خادم حکومت‌های استبدادی محمدعلی‌شاه،



یکبار وقتی است که در مجلس دوره‌ی چهارم قوام‌السلطنه، دکتر مصدق را برای وزارت دارایی (مالیه) انتخاب می‌نماید و او قبول وزارت را موکول به داشتن اختیاراتی می‌نماید تا بتواند در مدت کوتاهی (سه ماه) با اصلاح بودجه و حذف بنل و بخشش‌ها و مستمری‌ها به خزانه‌ی کشور سر و سامانی بدهد. در این مورد بهار در صفحه‌ی ۱۳۹ جلد اول کتاب خود نوشته است:

«وزیر مالیه، دکتر محمدخان مصدق‌السلطنه، ماده واحده‌ی به مجلس آورد و اختیاراتی خواست و با مخالفت شدید سوسیالیست‌ها مواجه گردید، و او اولین و آخرین وزیر است که در برابر هجوم شدید سلیمان میرزا لیدر سوسیالیست و نمایندگان نطق و زبردست مجلس به شدت حمله کرد و از خود و دولت دفاع نمود و کاری را که باید وکیل مجلس انجام دهد و از وزیر دفاع کند با کمال شهامت انجام داد.»

تجلیل دیگر ملک‌الشعرا از دکتر مصدق به مناسبت نطق تاریخی او در جلسه‌ی ۹ آبان ۱۳۰۴ دوره‌ی پنجم مجلس شورای ملی می‌باشد که با خلع احمدشاه از سلطنت و روی کار آمدن رضاخان سردار سپه به شدت مخالفت نموده است و دکتر مصدق در این نطق شجاعانه به تمام مسایلی که بعداً در سلطنت رضاشاه پیش آمد قبلاً پیش‌بینی کرده و هشدار داده بود.

ملک‌الشعرا بهار در این روز تاریخی و نطق دکتر مصدق و سایر مخالفین چنین گفته است: «باور کنید همه را بیم و رعب فراگرفته بود. اگر به نطق روز ۹ آبان به نام مخالفت با ملاده واحده ایراد کرده‌اند، دقیق شوید، علامت کمال ملاحظه و تاثیر ترور و وحشت را خواهید دید. از هر سطری بوی خوف و رعب می‌آید. معذک سوگند به کلام خدا حس خطر و تهلکه ملی این عده شیرمرد بر آن داشت که در غرقاب خوف و بیم با عزیزان خود وداع کرده و به مجلس بیایند و هرچه هست سخنی بگویند. و آمدند و گفتند!» ■

**مصدق در مخالفت با سلطنت رضاشاه در مجلس پنجم نطق کرد**  
رضاشاه و محمدرضاشاه در عین مخالفت شدید و پیکاری که با دکتر مصدق رهبر جبهه‌ی ملی داشته و با وجود زمینه‌ی انفجالی نامساعدی که نسبت به مصدق داشته در خاطراتش به دو نکته‌ی اساسی اعتراف نموده که ذکر آن با توجه به شهادت دشمن حایز کمال اهمیت است:

یکم- در صفحه‌ی ۴۱۶ خاطرات خود راجع به رد امتیاز نفت شمال، روس‌ها و استیفای حقوق ملت ایران از نفت جنوب نقل می‌نماید:

«زمانی که رشته‌ی مطالب به دست مجلس شورای ملی افتاد و نطق‌های بلیغی در اطراف نفت و امتیاز نفت جنوب که انگلیس‌ها داشتند به عمل آمد، سرآمد همه‌ی نطق تاریخی دکتر [مصدق] نخست‌وزیر فعلی بود که اطلاعات جامعی به دست آورده و با ذکر معایب اساسی این امر و عملیات انگلیس‌ها در مدت گذشته راجع به نفت جنوب و ندادن حساب به تشریح موضوع پرداخت و در حقیقت رشته‌ی امر نفت را از آن روز به دست گرفت و هنوز در حسن شهرت آن و تحریک عوام که خاص خود اوست، بهره‌برداری می‌کند.»

دوم- درباره‌ی اختلافات آیت‌الله کاشانی با دکتر مصدق و مخالفت آیت‌الله برای دادن اختیارات یک ساله به نخست‌وزیر صدرا‌اشراف، در صفحه‌ی ۵۲۵ کتابش توضیح داده است:

«موضوع اختیارات یک ساله برای مخالفت کاشانی با مصدق بهانه بود، زیرا از چندی قبل از آن به واسطه‌ی مداخله‌ی آقای کاشانی در امور دولت و وساطت پسرهای او و تحصیل عواید از این راه، مصدق قدغن کرده بود که ادارات دولتی از قبول وساطت‌های بی‌حد و حصر آن‌ها خودداری کنند.»

۲- شادروان ملک‌الشعرا بهار در تاریخ احزاب سیاسی خود در دو مطلب از دکتر مصدق ستایش نموده که در این جا به اختصار بدان اشاره می‌شود:

## در ستایش دکتر محمد مصدق

### نفت

احسان کوشامهر - خرمشهر

با اندازان روسپی خانه‌های نفت  
و شهوت خستگی‌ناپذیر کارتل‌ها  
و تولد نسلی عقیم  
در پالایشگاه‌ها  
و ازدحام اجساد بنزینی  
در صف طولانی تابوت‌های چارچرخ  
پشت چراغ‌های قرمز چارراه‌ها  
و پلیس‌های کبریتی  
با تابوهای «سبقت ممنوع»  
و پیاده‌هایی که  
دود شده‌اند...